

**نگاهی جامعه‌شناختی به اخلاق شهروندی در پرتو نقش خانواده و مدرسه  
(مطالعه موردی شهر کاشان)**

دکتر نرگس نیک خواه قمصری<sup>۱</sup>، زهرا اسمی جوشقانی<sup>۲</sup>

**چکیده**

اخلاق شهروندی به عنوان یکی از مولفه‌های اصلی جامعه مدنی زمینه بسط و گسترش مشارکت کامل همه افراد جامعه و در نتیجه توسعه اجتماعی را فراهم می‌نماید. در همین راستا پژوهش حاضر با نگاهی تطبیقی به بررسی و مطالعه دو نهاد مهم جامعه‌پذیری یعنی خانواده و مدرسه در زمینه تحقق اخلاق شهروندی پرداخته است. این پژوهش با استفاده از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه در نمونه‌ای ۲۱۵ نفری از دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر کاشان به دنبال توصیف و تبیین متغیرهای زمینه‌ای؛ پایگاه اجتماعی اقتصادی (شغل، درآمد و تحصیلات والدین)، عملکرد خانواده و عملکرد مدرسه انجام شده است. اخلاق شهروندی در این پژوهش با ابعاد احترام به قانون، مسئولیت‌پذیری، مشارکت و همکاری در فعالیت و یادگیری در دو محیط خانواده و مدرسه سنجیده شده و نتایج بدست آمده حاکی از آنست که متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی با اخلاق شهروندی ارتباطی ندارد و دو متغیر مستقل عملکرد خانواده و مدرسه با اخلاق شهروندی ارتباط متقابل و معناداری دارند؛ و سهم خانواده در شکل‌گیری اخلاق شهروندی بیشتر است و در بخش مقایسه میانگین‌ها فقط شغل پدر با اخلاق شهروندی رابطه معناداری دارد و در سایر مؤلفه‌های پایگاه اجتماعی - اقتصادی با اخلاق شهروندی رابطه معناداری وجود ندارد.

**کلید واژه‌ها:** توسعه اجتماعی، اخلاق شهروندی، عملکرد خانواده، عملکرد مدرسه، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، دانش‌آموزان.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۱۰/۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۸/۲

Archive of SID

<sup>۱</sup> استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان n\_nikkhah\_gh@kashanu.ac.ir

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران (نویسنده مسئول). zahraesmi11@yahoo.com

**مقدمه**

تشدید فرایندهای مدرنیته و جهانی شدن و در پی آن تغییرات فزاینده حوزه های گوناگون حیات فردی و اجتماعی، نگرش ها، انتظارات، تصورات و خواسته های افراد در گروه های سنی، جنسی، حرفه ای و... را در ابعاد و سطوحی چند گانه دگرگون ساخته و در راستای هدف تحقق توسعه پایدار اجتماعی، بیش از پیش چگونگی مشارکت فعال، خلاق و نقاد همه شهروندان را در کانون توجه قرار داده است. در واقع، از آنجا که سلامت جامعه و تداوم انسجام آن نه تنها به عادلانه بودن نهادهای جامعه، بلکه به خصایص، نگرش ها، رفتارها و هویت های چندگانه اعضای آن نیز بستگی دارد، مطالعه و بررسی چگونگی تشکیل و ساخت هویت های ملی، قومی، مذهبی، جنسیتی، نحوه مواجهه افراد با حقوق و منافع دیگران، چگونگی مشارکت در فرایندهای سیاسی و اجتماعی و کیفیت انجام مسئولیت ها و تعهدات اجتماعی، همه در پیوندی وثیق با نهادینه شدن «اخلاق شهروندی» ممکن می شود. به بیان دیگر در پرتو تحقق اخلاق شهروندی، اعضای جامعه ضمن آگاهی و آشنایی با حقوق و مسئولیت های فردی و اجتماعی خود و دیگر اعضای جامعه، از یکسو و مطالبه پاسخ های شفاف از دولت و نهادهای مدیریتی و اجرایی جامعه به موازات انجام تکالیف خود در قبال دولت و جامعه از سوی دیگر، بستری مناسب جهت پیشرفت و توسعه جامعه و در نتیجه زندگی بهتر و رفاه بیشتر برای همگان فراهم می کنند (محمدی، شیانی و روشنفکر، ۱۳۸۹: ۶۶).

در رابطه با شکل گیری هویت افراد با دو نوع هویت مواجه هستند: هویت فردی، که به خصایص و ویژگی های خود فرد مربوط می شود و دیگری هویت اجتماعی است که «شناسه آن حوزه و قلمرویی از حیات اجتماعی است که فرد با ضمیر «ما» خود را متعلق، منتسب و مدیون بدان می داند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می کند (حقیقتیان، غضنفری و تکه اکبرآبادی، ۱۳۸۸: ۱۷۴). اخلاق شهروندی دارای قلمروی ترکیبی از دو نوع هویت است. البته عوامل اجتماعی و نهادهای جامعه پذیری می توانند در این زمینه نقش مهمی داشته باشند. آنچه در این میان برای پژوهش حاضر محوریت یافته بررسی تطبیقی نقش دو نهاد اجتماعی موثر در تشکیل اخلاق شهروندی دانش آموزان یعنی خانواده و مدرسه است و به این منظور پس از شرحی مختصر در باب جامعه پذیری، مکانیزم های آن، مفهوم شهروندی و مؤلفه های نظری اخلاق شهروندی در گام بعد به توصیف و تحلیل یافته ها می پردازد.

**ادبیات پژوهش**

شاه طالبی، قلی زاده و شریفی در تحقیقی تحت عنوان «مؤلفه های آموزش فرهنگ شهروندی برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی با تأکید بر حیطه آموزه های دینی و شهروند الکترونیک» به نتایج زیر دست یافته اند که از بین مؤلفه های شهروند الکترونیک «آشنایی با طریقه مقابله با رفتارهای ناهنجار و خشونت های الکترونیکی بیشترین ضریب و مؤلفه «فرهنگ یادگیری از طریق شبکه کمترین مقدار را به خود اختصاص داده است. در بعد آموزه های دینی مؤلفه صداقت بیشترین و بهداشت فردی کمترین ضریب را به خود اختصاص می دهد؛ و در اینجا به اهمیت نهاد اولیه خانواده به عنوان نهاد تأثیر گذار در انتقال صداقت می توان پی برد.

لطف آبادی در پژوهشی پیرامون آموزش شهروندی ملی و جهانی مطرح می کند که آموزش و پرورش ایران اگر بخواهد هویت ملی و نظام ارزشی و مهارت های شهروندی کودکان و نوجوانان را تحکیم و اعتلا بخشد، باید آنان را برای زندگی در عصر جهانی شدن در قرن حاضر آماده کند. برای این منظور، نگرش آموزش و پرورش به برنامه های درسی و فعالیت های کلاس و مدرسه در آموزش عمومی باید تغییر یابد و افزون بر آموزش های درسی، تحکیم هویت و نظام ارزشی انسانی و دینی و ملی، آموزش شهروندی و مهارت های زندگی فردی و اجتماعی و اقتصادی و علمی و فرهنگی را محور برنامه های آموزشی و تربیتی قرار دهد. آموزش شهروندی محلی و ملی و جهانی به دانش آموزان، بخشی مهم از این برنامه هاست.

احمد آقازاده در پژوهشی با نگاهی تطبیقی بین ایران و ژاپن به این نتیجه رسیده است که فرایند تربیت شهروندی بستگی به مطالعات و ساختار فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و فنی یک جامعه به طور اخص و جامعه جهانی به طور اعم دارد. نظام آموزشی

کشورمان در طول تاریخ پر قدمت خود، فاقد یک منظومه فکری و بنیادهای نظری و مبانی فلسفی و اجتماعی روشنی برای شکل‌گیری فرایند آموزش شهروندان، مبتنی بر نیازها و مطالبات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه ما در گذشته و حال بوده است. آثار منفی این شرایط موجب شده است که نظری نظریه پرد ازان تربیتی، مربیان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت کشورمان نتوانند آرمان‌های تربیتی و مشخصات انسان مطلوب در جامعه ایران را به دقت تعریف کنند و تصویر روشنی از آن ارائه دهند و سرانجام نتوانسته‌اند وسایل آموزشی آن را چنان مهیا سازند که دانش آموز و دانشجو هر چه بیشتر به آن صفات و مهارت‌هایی که جامعه به اقتضای زمان خود و فرهنگ رایج در آن خواستار و طالب آن است، مجهز شود.

فتمی و اجارگاه در تحقیقی مهم‌ترین مؤلفه‌های شهروندی را چنین بیان می‌کنند:

الف) دانایی محوری ب) وطن دوستی ج) قانون مداری د) مسئولیت‌پذیری و تعهد ه) مشارکت و) انتقادگری و انتقادپذیری. گراهام مؤلفه‌های رفتار شهروندی سازمان یافته را مبتنی بر فلسفه کلاسیک و تئوری نوین علوم سیاسی بر اموری استوار می‌سازد که اینکلز (۱۹۶۹) از آن‌ها به عنوان «نشانگان شهروند فعال» یاد نموده بود. به بیان وی، «اطاعت» یا «احترام» به فرایندها و ساختارهای نظم یافته اولین مؤلفه رفتار شهروندی محسوب شده و شهروندان برای اطاعت از قوانین موجود که مدافع و حامی آنان است، مسوولند. دومین مؤلفه رفتار شهروندی به وفاداری به رعایت منافع و حقوق دیگران در پرتو ارتباطات توسعه یافته و تلاش داوطلبانه برای تحقق خیر عمومی و سومین مؤلفه به مشارکت در دولت و جامعه مبتنی بر بحث و گفتگو، کسب و انتقال اطلاعات، اندیشه‌ورزی و تبعیت از نهادهای قانونی دلالت می‌کند.

بورمن نیز در چهارچوب یک مدل پنج بعدی رفتار شهروندی را با مشخصاتی چون پشتکار توام با سوز و حساسیت در برابر امور اجتماعی، مساعدت و همکاری با افراد، حمایت از اهداف شهروندی و تلاش برای رسیدن به آن مورد مطالعه قرار می‌دهد. (زارع، ۱۳۸۹: ۱۲۸-۱۲۷).

### چارچوب نظری پژوهش

شاید نخستین بار در تاریخ تفکر اجتماعی، افلاطون و ارسطو در توضیح سامان سیاسی دولت شهرهای یونان باستان، به بحث از مبانی شهروندی در قالب اتحاد و پیوند میان روسای قبایل و تبعیت از خدایان و قوانین واحد پرداخته باشند، اما از قرن هفدهم به بعد به واسطه اندیشه‌های هابز، لاک، روسو و مونتسکیو، مبانی شهروندی در قالب روابط فرهنگی میان اتباع حکومت به عنوان مجموعه‌ای از فرایندهای اخلاقی و مدنی و سپس به موازات تشکیل دولت‌های ملی و رفاه در پیوند با مضامینی چون مشروعیت قدرت سیاسی، مشارکت در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی و توزیع برابر امتیازات اجتماعی میان اعضای جامعه مورد توجه و تأملات نظری قرار گرفت.

شهروندی زائیده زیستن در دنیای معاصر است. شهروندی با تأکیداتی تازه در تلاش است با ایجاد تفاهم در زندگی اجتماعی، راه پیشرفت و ارتقاء جامعه را هموار سازد. شهروندی طرح سؤالاتی است در ارتباط با ماهیت جامعه، عدالت، مراقبت، مسئولیت، دولت، آزادی، تعاملات اجتماعی، احترام و به ویژه ارزش‌ها، که علاوه بر نوع ارتباط هر فرد با چنین موضوعاتی، نوع واکنش افراد را نیز شامل می‌شود (Combs, 2001).

شهروندی همانند جایگاه یک شیء دست ساز است که ارزش و اهمیت آن تنها به وسیله افرادی که با منابع فرهنگی و اجتماعی و اطلاعاتی آن آگاه هستند، درک می‌شود (McDonald, 1999).

از این منظر شهروندی را باید ایجاد و نشر خلق و خوی شهروندی، تمایل داشتن به عمل در جهت نفع عموم و همچنین دقیق و حساس بودن نسبت به عواطف، نیازها و نگرش‌های دیگران قلمداد نمود. شهروندی بر تعهد یا وظیفه‌ای که برای دیگران مناسب است دلالت دارد، مهربانی و تدبیر را نشان می‌دهد و خدمات مطلوبی را به جامعه عرضه می‌کند. (Summers 2002)

شهروندی تنها یک موقعیت نیست که شخص در آن، مجموعه‌ای از حقوق و وظایف را داشته باشد. بنا بر گفته هیتز، واژه‌ی شهروندی در خدمت دو ایده‌ی موقعیت و احساس است و به نظر می‌رسد آنچه اهمیت در خور توجهی دارد احساس شهروندی بودن است. احساس به نگرش‌ها و طرز تلقی‌ها مربوط می‌شود و شهروندی در کامل‌ترین معنا یک موقعیت نیست بلکه یک نگرش است. رفتار شهروندان باید به گونه‌ای باشد که برای جامعه سودمند باشند، یعنی، شهروندان خوبی باشند (نبوی، ارشاد و فاضل ۱۳۸۸: ۹۰).

به طور کلی در ادبیات گسترده نظریه‌های شهروندی هسته مشترک تعاریف ارائه شده از شهروندی به شرح زیر است:

- ۱- نوعی پایگاه و نقش اجتماعی مدرن برای تمامی اعضای جامعه.
  - ۲- احساس تعلق و عضویت اجتماعی مدرن برای مشارکت جدی و فعالانه.
  - ۳- برخورداری عادلانه و منصفانه تمامی اعضای جامعه از مزایا، منابع و امتیازات اجتماعی، اقتصادی مجموعه به هم پیوسته از وظایف، حقوق، تکالیف و مسئولیت‌ها و تعهدات اجتماعی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی همگانی، برابر و یکسان.
  - ۴- حقوقی و فرهنگی فارغ از تعلق طبقاتی، نژادی، مذهبی و قومی (توسلی و نجات حسینی، ۱۳۸۳: ۳۳).
- پارسونز از منظری کارکردگرایانه، با مینا قرار دادن متغیرهای الگویی، عام‌گرایی و جامعه‌مبتنی بر قرارداد عرفی و مدنی، شهروندی را به عنوان محصول مدرنیته و دمکراتیک شدن جوامع، کردار اجتماعی معطوف به عضویت در اجتماع و به تبع آن انسجام اجتماعی تعریف می‌کند. (همان منبع: ۳۷) به نظر وی، شهروندی کامل به معنای برخورداری همه اقشار و گروه‌های اجتماعی از حقوق فردی و اجتماعی است که می‌بایست نه تنها توسط خود فرد بلکه از سوی جامعه نیز مورد شناسایی و احترام قرار گیرد. (شیانی و داوودوندی، ۱۳۸۹: ۴۱) به بیان دیگر شهروندی در بستر آرای پارسونز به مرحله گذر از خاص‌گرایی فرهنگی به عام‌گرایی در حیات اجتماعی انسان مدرن دلالت می‌کند که کردارهای اجتماعی وی را نه مطابق باورهای گروهی و محلی خاص بلکه مطابق مقتضیات عمومی جامعه تنظیم می‌کند. مهم‌ترین مساله مورد توجه پارسونز گروه‌هایی است که از امتیازات شهروندی محروم اند. به عنوان مثال او این پرسش را مطرح می‌کند که «چه چیزی مانع بهره‌مندی سیاهان از مزایای شهروندی کامل شده است؟» او در پاسخ به این سوال به نقش اندیشه توجه می‌کند و موضوع ارزش‌های فرهنگی را پیش می‌کشد. او معتقد است، گروه‌هایی که همچنان بر ارزش‌های کهن خود تاکید دارند و خود را با مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی وفق نداده‌اند درکی از حقوق و امتیازات شهروندی نخواهد داشت. بنابراین، افرادی که دارای نگرش‌های خاص گرایانه هستند، آگاهی کمتری از حقوق خود دارند (هزارجریبی و امانیان، ۱۳۹۰) در این میان آموزش نقش مهمی را در جامعه‌پذیری یکپارچه و گسترده‌ی افراد و ارائه نگرش‌های عام‌گرایانه ایفا می‌کند تا به تبع آن زمینه‌ی آگاهی افراد فراهم شود.
- کارل مارکس با زیر بنا قرار دادن ساختار اقتصادی و تأثیر آن بر نقش‌های اقتصادی افراد، جامعه‌ی مدنی را همان جامعه بورژوازی دانسته که عرصه‌ای مبتنی بر بازار و مالکیت خصوصی است. از نظر او، اعلامیه حقوق بشر ۴-۱۸۴۳ و شهروندی نیز صورت ظاهر برای پنهان کردن واقعیت و نقابی بر نابرابری‌های اقتصادی اجتماعی است. به تعبیر مارکس (۱۹۶۷) سرمایه داری باعث در ماندگی و بدبختی مردم بوده و زندگی در جامعه‌ی مدنی که آزادی یهود در آن تجلی یافته، تداوم کنش‌های سرمایه داران برای دست‌یابی به اهداف خود است. بنابراین، با وجود نابرابری‌های موجود نمی‌توان فرد را در معرض شهروندی قرار داد. دست‌یابی به رفاه و آسایش اقتصادی پیش شرط بهره‌مندی واقعی از حقوق مدنی و سیاسی است. راه حل اصلی، حرکت فراسوی دولت و انقلاب برای ریشه کنی نابرابری‌ها است که فقط با گذر از نفی مناسبات سرمایه داری تحقق می‌یابد (شیانی، ۱۳۸۱) به زعم مارکس، شهروندی انقیاد اقتصادی - اجتماعی و عملی محرومان است که باید اصلاح شود. بر این اساس افرادی که پایگاه اقتصادی پایینی دارند، آگاهی کمتری از وضعیت شهروندی دارند، و از طرفی از اخلاق شهروندی برخوردار نیستند؛ لذا باید با آموزش شهروندان در جهت ایجاد جامعه‌ای بدون طبقه گام برداشت.

به طور کلی می‌توان مبتنی بر وجه مشترک تعاریف ارائه شده در ادبیات گسترده نظری، شهروندی را «نوعی پایگاه و نقش اجتماعی مدرن برای تمامی اعضای جامعه تعریف نمود که بر مجموعه‌ای به هم پیوسته از وظایف، حقوق، تکالیف و مسئولیت‌ها و تعهدات برابر و یکسان اجتماعی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی فارغ از تمایزات طبقاتی، نژادی و فرهنگی دلالت می‌کند از این زاویه، شهروندی به مثابه پیوندی حقوقی، سیاسی و اجتماعی میان افراد و جامعه خود مستلزم فعالیت مکانیزم‌های آموزشی جهت انتقال محتوای آن به اعضای جامعه است. با توجه به تعاریف ارائه شده؛ اخلاق شهروندی را می‌توان مجموعه‌ای از قوانین و عرف‌های اجتماعی تعریف کرد که بتوانند در این زمینه به ویژه در شهرهای بزرگ و متوسط هم چنین در شهرهای کوچک، به دست اندرکاران و ساکنان این شهرها امکان زندگی هماهنگ و بدون تنش را فراهم کنند، چه با یکدیگر و چه با محیط زیست و برای توسعه پایدار یعنی نیل به موقعیت‌های مناسب و از میان برداشتن موقعیت‌های تنش‌زای کنونی، برای نسل‌های آینده شرایطی مناسبی را به وجود آورند (فکوهی، ۱۳۸۸: ۱۲). تقویت مفاهیم و باورهای اخلاقی باید در روند اجتماعی شدن به طور عقلانی انجام بگیرد و برای این کار باید فرایندهای موازی اجتماعی شدن (خانواده، سیستم رسمی آموزش، حوزه عمومی زندگی شهروندان) با یکدیگر هماهنگی داشته باشند و ناقض یکدیگر نباشند. در غیر این صورت هیچ یک نمی‌توانند تأثیر چندانی داشته باشند و در نتیجه شهروندی شکل نمی‌گیرد؛ چرخه‌های نامناسب که آسیب‌زا هستند باید به چرخه‌های مثبت و سالم ساز بدل شوند (همان، ۱۸).

به بیانی روشن‌تر، آموزش شهروندی و دلالت‌های حقوقی، سیاسی و اجتماعی آن خود ابزاری است موثر جهت پرورش احساس تعلق به جامعه و انسجام و پیشرفت و توسعه آن. این آموزش به نوبه خود در سه محور «مسئولیت اجتماعی و اخلاقی در برابر جامعه»، «فعالیت‌گرایی اجتماعی» و «سواد سیاسی» (ذکایی، ۱۳۸۱). مقدمه نظری برای تشکیل هویتی متمایز به نام اخلاق شهروندی می‌شود که به بیان ترنر در سیر تکاملی زندگی انسان مدرن و معاملاتش با جامعه و نهادهای اجتماعی و قانونی گوناگونی که هر یک به حمایت از حقوق و الزاماتی خاص اختصاص یافته‌اند شکل گرفته و توسعه می‌یابد. هرگونه تلاشی برای ارائه تعریف هویت یک چیز، پاسخ به معنای آن است. هر وجودی قبل از موجود شدن، فاقد معناست؛ اما به شکل‌گیری آن، معنایی را به خود اختصاص می‌دهد که بر حسب، آن هویت می‌یابد. بنابراین هویت یافتن چیزی یعنی آن چیز معنا دار شود. به عقیده جنکینز خود؛ یعنی (فهم بازتابی هر فردی از هویت خاص خودش، در رویارویی با دیگران که از لحاظ شباهت یا تفاوت ساخته می‌شود و بدون آن ما نمی‌دانیم چه کسی هستیم و از همین رو قادر به عمل نخواهیم بود). به عقیده او آنجا که هویت در حیطه فردی می‌رود با تفاوت و آنجا که به جمع بر می‌گردد به شباهت‌ها دلالت می‌کند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۵۰-۴۹).

مطابق با الگویی که وی دیالکتیک درونی-برونی‌شناسایی می‌نامد، تنها کافی نیست که فرد تصویری درباره خویش داشته باشد، بلکه نگاه دیگران به هویت ما نیز در شکل‌گیری آن موثر است. با توجه به دیالکتیک درونی-برونی‌شناسایی می‌توان گفت که آن چه مردم درباره ما می‌اندیشند، از آن چه ما درباره‌ی خودمان می‌اندیشیم، اهمیت کمتری ندارد. این که شخص بر هویت خود تاکید می‌کند کافی نیست. اشخاصی که با آن‌ها سروکار داریم باید آن هویت را معتبر بدانند. بنابراین رابطه‌ی میان هویت فردی و اجتماعی تعاملی و متقابل است، درست است که هویت فردی جزء ضروری هویت اجتماعی است اما هویت فردی جدا از سپهر اجتماعی ساخته نمی‌شود و در فرایند اجتماعی شدن و تعامل این دو هویت است که فرد تصویری از خود و دیگران می‌سازد (همان، ۳۷-۳۵).

هویت اجتماعی از دیدگاه تاجفل بخشی از برداشت یک فرد از خود است که از آگاهی او نسبت به عضویت در گروه‌های اجتماعی سرچشمه می‌گیرد و همراه با اهمیت ارزش و احساسی منظم به آن عضویت (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۲۲). بنابراین در هویت شخصی «من» در مقابل «دیگران» قرار می‌گیرد و تفاوت‌هایی که فرد با دیگران دارد آشکار می‌شود و باعث می‌شود احساسات و علایق ویژه‌ای در افراد ایجاد شود. هویت اجتماعی یک فرد به خصوصیات و مشخصاتی اشاره می‌کند که فرد آن‌ها را از طریق اشتراکات اجتماعی و عضویت در گروه‌های اجتماعی کسب می‌کند. این گروه‌ها و مقوله‌ها شامل نژاد،

مذهب، قومیت، ملیت، جنسیت و شهروندی می‌شوند. زمانی که یک فرد، عضو یک گروه می‌شود و یا از قرار گرفتن در یک گروهی آگاهی پیدا می‌کند یکسری خصوصیات و ویژگی‌هایی را از آن به دست می‌آورد که در بین گروه مورد نظر مشترک است. با گرفتن این خصوصیات، فرد به آن گروه احساس تعلق می‌کند. هویت اجتماعی یک فرد باعث ایجاد «ما» در برابر «آن‌ها» می‌شود (Haslam, Jetten, Postmes, Haslam, 2009:5).

تاجفل هویت اجتماعی را با عضویت گروهی پیوند می‌زند و عضویت گروهی را مبتنی بر سه عنصر زیر می‌داند:

۱. عنصر شناختی، یعنی فرد از گروهی که به آن تعلق دارد، آگاهی دارد.
  ۲. عنصر ارزشی، یعنی فرض‌هایی که فرد درباره پیامدهای ارزشی مثبت یا منفی عضویت گروهی برای خود دارد.
  ۳. عنصر احساسی، یعنی احساسات فرد نسبت به گروه خودی و نسبت به افراد دیگری که رابطه‌ای خاص با آن گروه دارند.
- حال اگر مبتنی بر ابعاد مفهومی هویت در دیدگاه جنکینز و تاجفل، اخلاق شهروندی را نوعی از هویت اجتماعی تعریف نماییم که حول آگاهی فرد از حقوق و مسئولیت‌های متقابل اجتماعی وی در رابطه با دیگر افراد و نهادهای اجتماعی و سیاسی تاسیس شده و مبنای کردارهای فردی و جمعی وی همسو با دیگر اعضای جامعه قرار می‌گیرد نقش فرایندهای اجتماعی شدن و مکانیزم‌های عمده آن یعنی خانواده و مدرسه در خلق، بسط و تقویت اخلاق شهروندی به خوبی عیان می‌شود.

مدرسه از ابعاد مهم جامعه است و فرآیند تربیت، حداقل تا حدودی، عبارت از تلاشی است که به منظور سهولت ورود و خروج کودک به جامعه و نه جذب او در جامعه، صورت می‌گیرد، از این رو پیوسته این ضرورت مطرح می‌شود که مساعی مدرسه عبارت از کوششی واقعی است برای آگاه کردن کودک در دوران تحصیل نسبت به جامعه، به نحوی که مدرسه را پدیده‌ای منفرد تلقی نکند، بلکه آن را اساسی مرتبط با جامعه کلان بداند، تا از طریق آن با نقش‌های اجتماعی آشنا شود و شیوه تعامل با دیگران را یاد بگیرد، زیرا درس‌های واقعی زندگی فقط آن‌هایی نیست که در کلاس درس تدریس می‌شود: درس‌های واقعی آن‌هایی است که شاگردان در کنار هم از طریق مشارکت و فعالیت در جامعه مدرسه کسب می‌کنند (فرگاس، ۱۳۷۹).

مدرسه یکی از سه عامل اولیه جامعه پذیری و شاید مهم‌ترین عامل باشد. تنوع الگوهای اجتماعی کننده در مدرسه بیش از گروه همسالان و خانواده است. اگر در خانواده کودک نقش‌های جنسی، سنی، خانوادگی را بر اساس قدرت جسمانی و کوچکتر بودن فرا می‌گیرد. در مدرسه و گروه‌های دانش آموزی (همسالان) آزادی عمل و قدرت انتخاب بیشتری برای کودک و نوجوان با توجه به امکان همکاری، رقابت و رفاقت ایجاد می‌شود. در مدرسه برنامه‌های رسمی و غیر رسمی طوری تنظیم می‌شود که دانش آموزان حداقل نقش‌های اجتماعی و مسئولیت پذیری را فرا گرفته باشد (شعاری نژاد، ۱۳۷۴:۵۶).

تربیت اجتماعی یکی از حساس‌ترین موضوعات علم تعلیم و تربیت می‌باشد به طوری که ابن خلدون معتقد بود که تعلیم و تربیت آدمی را به جای حفظ انس با موقعیت به ابتکار وامی دارد و او را مشتاقانه به سوی انضباط خود خواسته، فداکاری، به نفع عموم، ثبات قدم و پایداری، نوع دوستی، قدرت اخلاقی، آداب اجتماعی، همکاری و مشارکت گروهی و جمعی و قومی می‌کشاند. (آراسته خو، ۱۳۷۱:۳۵۹).

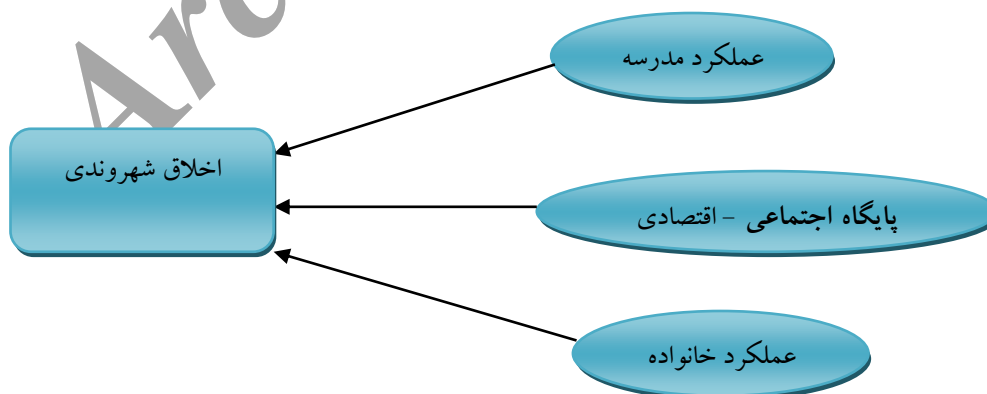
«در تعریف تعلیم و تربیت بر خی از جامعه شناسان آن را وسیله‌ای برای اجتماعی کردن نسل جوان و انتقال یک تمدن دانسته‌اند و برخی تعلیم و تربیت را عامل اجتماعی دانسته‌اند که کودک را به اجتماعی معین وصل می‌کند» (عسکریان، ۱۳۵۹:۴۸).

«اجتماعی شدن فراگردی (فرآیندی) است که طی آن شخصیت فرد شکل می‌گیرد و فرد قادر به شکوفایی استعدادهای بالقوه خود می‌گردد: زیرا یکی از زمینه‌های اساسی تشکیل و رشد شخصیت در افراد یادگیری است که از طریق حضور دیگران و نهادهای دیگر به خصوص نهاد آموزش و پرورش به افراد منتقل می‌گردد و آن‌ها را با جامعه هم‌نوا و همساز می‌گرداند» (قرائی مقدم، ۱۳۷۵: ۱۸۷).

در جوامع امروزی، اجتماعی شدن، پیش از همه در یک زمینه کوچک خانوادگی رخ می‌دهد. بیشتر کودکان، نخستین سال‌های زندگی خود را در درون یک واحد خانوادگی شامل مادر، پدر و شاید یک یا دو فرزند دیگر سپاری می‌کنند. اما در بسیاری از فرهنگ‌ها، عمه‌ها یا خاله‌ها، عموها یا دایی‌ها و نوه‌ها غالباً جزء یک خانواده واحد بوده و مراقبت کودکان، حتی اطفال بسیار خردسال، را به عهده دارند. با وجود این، تفاوت‌های زیادی از نظر ماهیت زمینه‌های خانوادگی وجود دارد. بخش اعظم زنانی که تشکیل خانواده داده‌اند، اکنون در خارج از خانه به کار اشتغال دارند و به فاصله نسبتاً کمی بعد از تولد فرزندانشان به کار خود بر می‌گردند. با وجود این تفاوت‌ها، خانواده معمولاً یکی از عوامل عمده اجتماعی شدن از دوران کودکی تا جوانی و پس از آن است - که به صورت یک سلسله مراحل پی در پی رشد و تکامل، نسل‌ها را به یکدیگر مربوط می‌سازد. خانواده‌ها جایگاه‌های مختلفی در چارچوب کلی نهادهای یک جامعه دارند. در بیشتر جوامع سنتی، خانواده‌ای که فرد در آن متولد می‌شود، تا اندازه زیادی تعیین‌کننده موقعیت اجتماعی فرد در بقیه زندگی‌شان است. در جوامع امروزی غربی، موقعیت اجتماعی به این ترتیب در هنگام تولد به ارث برده نمی‌شود. با وجود این، منطقه و طبقه اجتماعی خانواده‌ای که فرد در آن متولد می‌شود بر الگوهای اجتماعی شدن به شدت تأثیر می‌گذارد. کودکان، شیوه‌های رفتار ویژه پدر و مادرشان یا دیگران را در همسایگی یا اجتماع محلی‌شان فرا می‌گیرند. الگوهای مختلف پرورش کودک و انضباط، همراه با ارزش‌ها و انتظارات متعارض، در بخش‌های گوناگون جوامع بزرگ یافت می‌شوند. اگر به این بیان‌دیشیم که زندگی مثلاً برای کودکی که در یک محله فقیر نشین شهر پرورش می‌یابد، در مقایسه با کودکی که در یک خانواده مرفه سفید پوست در حومه سفید پوست نشین شهر متولد می‌شود چگونه است، آن‌گاه درک تأثیر انواع زمینه خانوادگی آسان می‌شود. تحقیقات جامعه‌شناختی فراوانی که انجام شده به ما امکان می‌دهد، این تفاوت‌ها را به گونه دقیق‌تری تشریح کنیم (گیدنز، ۱۳۷۶: ۱۰۴-۱۰۳).

مبنتی بر آنچه گفته شد نوشتار حاضر در پی تبیین رابطه میان نقش خانواده و مدرسه به عنوان مهم‌ترین نهادهای اجتماعی موثر در فرآیند اجتماعی شدن و انتقال آگاهی و ارزش‌های فرهنگی به فرد به ویژه تا دوران نوجوانی بر حسب متغیرهایی چون شیوه رسمی یا غیر رسمی آموزش، محوریت اخلاق گفتگوی یا اجبار در آموزش با اخلاق شهروندی دانش‌آموزان مقطع دبیرستان است و چنین فرض می‌کند که: شیوه آموزشی مبتنی بر گفتگوی اخلاقی در خانواده نسبت به آموزش‌های اجبار محور مدرسه سهم بیشتری در اخلاق شهروندی دانش‌آموزان دارند.

#### مدل نظری پژوهش



در پرتو اشاره اجمالی فوق به دیدگاه‌های نظری درباره شهروندی و اخلاق شهروندی، مقاله حاضر در پی تبیین رابطه میان متغیرهای پایگاه اجتماعی - اقتصادی عملکرد مدرسه و عملکرد خانواده با اخلاق شهروندی دانش‌آموزان کاشان برآمده و چنین فرض می‌کند که:

۱- بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانش‌آموزان و اخلاق شهروندی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

۲- بین عملکرد خانواده و اخلاق شهروندی دانش آموزان رابطه وجود دارد.

۳- بین عملکرد مدرسه و اخلاق شهروندی دانش آموزان رابطه وجود دارد.

### روش شناسی

در انجام پژوهش حاضر، از میان روش‌های متعدد موجود جهت گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها بسته به نوع، اهداف، مدل تحلیلی و خصوصیات میدان تحلیل روش پیمایش کارآمدتر از دیگر روش‌ها به نظر رسیده و از این رو پیمایش مقطعی با دو هدف توصیف و تبیین مورد استفاده قرار گرفت که در سطح توصیف هدف نشان دادن تصویری واضح‌تر از وضعیت پدیده مورد بررسی و شناخت بهتر آن در نمونه مورد بررسی و در سطح تحلیل یا تبیین هدف اصلی یافتن روابط بین متغیر زمینه‌ای (پایگاه اجتماعی - اقتصادی) و متغیرهای مستقل (عملکرد خانواده و عملکرد مدرسه) و متغیر وابسته (اخلاق شهروندی دانش آموزان کاشان) و تبیین تغییرات متغیر وابسته با توجه به متغیرهای مستقل است. در این پژوهش واحد تحلیل فرد و سطح تحلیل خرد است.

جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر کاشان است و حجم نمونه مورد مطالعه با استفاده از فرمول کوکران با ضریب اطمینان ۹۵٪ برابر ۲۱۵ نفر معین شد. روایی پرسشنامه‌ها با استفاده از روایی صوری و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ تعیین گردید. داده‌ها پس از کدگذاری پردازش و با آماره‌های توصیفی و استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون، مقایسه میانگین‌ها) تجزیه و تحلیل شده است و داده‌ها در دو سطح توصیفی و تحلیلی بررسی شده است.

### یافته‌های پژوهش

توزیع فراوانی دانش آموزان نشان می‌دهد که تمامی دانش آموزان (۲۱۵ نفر) دانش آموزان دختر مقطع متوسطه هستند. متغیر زمینه‌ای پایگاه اقتصادی - اجتماعی از ترکیب سه متغیر تحصیلات، شغل و میزان درآمد سنجیده شده است. توزیع دانش آموزان بر اساس میزان تحصیلات والدین بیانگر این است که ۴/۴ درصد از پدران دانش آموزان بی‌سواد، ۶۸/۳ درصد دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، ۲۴/۹ درصد دارای مدرک دیپلم و فوق دیپلم و ۲/۴ درصد دارای مدرک لیسانس هستند. توزیع فراوانی دانش آموزان بر حسب تحصیلات مادر بیانگر آن است که ۸/۴ درصد از مادر دانش آموزان بی‌سواد هستند در این میان ۷۴/۴ درصد دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، ۱۵/۸ درصد دارای مدرک دیپلم و فوق دیپلم و ۱/۵ درصد دارای مدرک لیسانس می‌باشند. توزیع فراوانی دانش آموزان بر حسب شغل پدر حاکی از آن است که ۸/۲ درصد از پدر دانش آموزان در مشاغل خیلی پایین، ۲۵/۹ درصد در مشاغل پایین، ۵۷/۱ درصد در مشاغل متوسط، ۶/۵ درصد در مشاغل سطح بالا و ۲/۴ درصد در مشاغل عالی خدمت می‌کنند.

توزیع فراوانی دانش آموزان بر حسب شغل مادر بیانگر این است که ۶/۲ درصد از مادر دانش آموزان در مشاغل سطح پایین، ۶۸/۸ درصد در مشاغل سطح متوسط، ۱۲/۵ درصد در مشاغل سطح بالا و عالی خدمت می‌نمایند. توزیع فراوانی دانش آموزان بر حسب میزان درآمد پدر نشان می‌دهد که ۶/۹ درصد از پدر دانش آموزان ماهیانه کمتر از دویست هزار تومان درآمد دارند. در حالی که ۲۹/۳ درصد از آنان در ماه دویست و یک تا چهار صد هزار تومان، ۳۱ درصد چهار صد و یک تا ششصد هزار تومان، ۲۰/۷ درصد ششصد و یک تا هشتصد هزار تومان و ۱۲/۱ درصد هشتصد و یک هزار تومان و بالاتر کسب می‌نمایند. توزیع فراوانی دانش آموزان بر حسب میزان درآمد مادر بیانگر آن است که ۲۸/۶ درصد از مادر دانش آموزان ماهیانه کمتر از دویست هزار تومان درآمد دارند. در حالی که ۴۲/۹ درصد از آنان در ماه دویست و یک تا چهار صد هزار تومان و ۲۸/۸ درصد چهار صد و یک تا ششصد هزار تومان کسب می‌نمایند.



جدول ۱: توصیف اخلاق شهروندی

تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
۲۱۵	۱	۵	۳/۳۰	۰/۷۹۶

جدول شماره (۱) میزان اخلاق شهروندی را توصیف می‌نماید. یافته‌های جدول فوق نشان می‌دهد که حداقل میزان اخلاق شهروندی در میان دانش آموزان ۱ و حداکثر میزان آن ۵ می‌باشد میانگین ثبت شده در رابطه با میزان اخلاق شهروندی ۳/۳۰ و انحراف معیار بدست آمده ۰/۷۹۶ می‌باشد. می‌توان گفت اخلاق شهروندی در بین دانش آموزان دختر در حد متوسط بوده است. فرضیه: بین عملکرد خانواده و اخلاق شهروندی دانش آموزان رابطه وجود دارد.

جدول ۲: آزمون همبستگی پیرسون در اخلاق شهروندی بر حسب عملکرد خانواده

وابسته			متغیر	
اخلاق شهروندی				
N	Sig	value	عملکرد خانواده.	$\chi^2$
۲۱۵	۰/۰۰۰	۰/۵۶۷		

جدول بالا آزمون همبستگی پیرسون بین اخلاق شهروندی و عملکرد خانواده را نشان می‌دهد. طبق نتایج بدست آمده از جدول چون مقدار آزمون بدست آمده (۰/۵۶۷) از مقدار آزمون جدول (۰/۱۲۸) بزرگ‌تر می‌باشد بین فرهنگ شهروندی و خانواده رابطه مستقیم و مثبتی وجود دارد بنابراین فرضیه بالا با همبستگی قوی بین دو متغیر و با اطمینان ۰/۹۵ تأیید می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت که عملکرد خانواده باعث افزایش اخلاق شهروندی در بین دانش آموزان می‌شود. فرضیه: بین عملکرد مدرسه و اخلاق شهروندی دانش آموزان رابطه وجود دارد.

جدول ۳: آزمون همبستگی پیرسون در اخلاق شهروندی بر حسب عملکرد مدرسه

وابسته			متغیر	
اخلاق شهروندی				
N	sig	value	عملکرد مدرسه	$\chi^2$
۲۱۵	۰/۰۰۰	۰/۴۹۲		

جدول بالا آزمون همبستگی پیرسون بین اخلاق شهروندی و عملکرد مدرسه را نشان می‌دهد. طبق نتایج بدست آمده از جدول چون مقدار آزمون بدست آمده (۰/۴۹۲) از مقدار آزمون جدول (۰/۱۲۸) بزرگ‌تر می‌باشد بین فرهنگ شهروندی و عملکرد مدرسه رابطه مستقیم و مثبتی وجود دارد بنابراین فرضیه بالا با اطمینان ۰/۹۵ تأیید می‌شود. مدرسه به عنوان یک نهاد جامعه پذیر کننده در افزایش اخلاق شهروندی دانش آموزان موثر است. فرضیه: بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی دانش آموزان و اخلاق شهروندی دانش آموزان رابطه وجود دارد.

جدول ۴: آزمون همبستگی پیرسون در اخلاق شهروندی و پایگاه اجتماعی- اقتصادی دانش آموزان

وابسته			متغیر	
اخلاق شهروندی				
N	Sig	Value	پایگاه اجتماعی- اقتصادی	$\chi^2$
۲۱۵	۰/۱۸۱	۰/۰۶۳		

جدول بالا همبستگی پیرسون بین اخلاق شهروندی و پایگاه اجتماعی- اقتصادی را نشان می‌دهد. طبق نتایج به دست آمده از جدول چون مقدار آزمون به دست آمده (۰/۰۶۳) از مقدار آزمون جدول (۰/۰۹۸) کوچکتر می‌باشد بین میزان فرهنگ شهروندی و پایگاه اجتماعی- اقتصادی رابطه وجود ندارد. بنابراین فرضیه بالا با سطح اطمینان ۰/۹۵ رد می‌شود.

## مقایسه میانگین ها: میزان اخلاق شهروندی و میزان تحصیلات پدر دانش آموزان

جدول ۵: آزمون مقایسه میانگین در اخلاق شهروندی بر حسب میزان تحصیلات پدر دانش آموزان

Sig	F	میانگین مجذورات درون گروه.	میانگین مجذورات بین گروه.	میانگین.	ابعاد.	متغیر.
۰/۶۴۲	۰/۵۶۰	۳۱۳/۹۱۸	۱۷۵/۸۵۲	۶۷/۶۱	بی سواد.	تحصیلات.
				۶۳/۰۶	ابتدایی و راهنمایی.	
				۶۶/۱۴	دیپلم و فوق دیپلم.	
				۶۸/۱۸	لیسانس به بالا.	

یافته های بدست آمده از آزمون مقایسه میانگین ها مبین آن است که تفاوت معناداری در ارتباط میزان اخلاق شهروندی بر حسب میزان تحصیلات پدر وجود ندارد و در واقع میزان تحصیلات پدر تاثیری بر اخلاق شهروندی ندارد. با این حال، پدرانی که تحصیلات لیسانس داشته اند، میانگین بالاتری (۶۸/۱۸) داشته اند.

## میزان اخلاق شهروندی و میزان تحصیلات مادر دانش آموزان

جدول ۶: آزمون مقایسه میانگین در اخلاق شهروندی بر حسب میزان تحصیلات مادر دانش آموزان

Sig	F	میانگین مجذورات درون گروه.	میانگین مجذورات بین گروه.	میانگین.	ابعاد.	متغیر.
۰/۹۵۱	۰/۱۱۶	۳۱۳/۴۸۴	۳۶/۲۰۷	۶۳/۹۳	بی سواد.	تحصیلات.
				۶۳/۵۲	ابتدایی و راهنمایی.	
				۶۵/۵۵	دیپلم و فوق دیپلم.	
				۶۴/۳۹	لیسانس به بالا.	

یافته های بدست آمده از آزمون مقایسه میانگین ها بیانگر آن است که تفاوت معناداری در ارتباط میزان اخلاق شهروندی بر حسب میزان تحصیلات مادر وجود ندارد و در واقع میزان تحصیلات مادر با اخلاق شهروندی دانش آموزان ارتباطی ندارد.

## میزان اخلاق شهروندی و شغل پدر دانش آموزان

جدول ۷: آزمون مقایسه میانگین در اخلاق شهروندی بر حسب شغل پدر دانش آموزان

Sig	F	میانگین مجذورات درون گروه.	میانگین مجذورات بین گروه.	میانگین.	ابعاد.	متغیر.
۰/۰۲۲	۲/۹۵۲	۲۷۶/۶۰۶	۸۱۶/۵۱۵	۶۶/۳۹	بسیار پایین.	شغل.
				۶۴/۱۹	پایین.	
				۶۲/۹۳	متوسط.	
				۷۰/۸۶	بالا.	
				۸۹/۷۷	عالی.	

با توجه به یافته های بدست آمده از آزمون مقایسه میانگین ها می توان چنین استدلال نمود که تفاوت معناداری در رابطه با میزان اخلاق شهروندی بر حسب شغل پدر دانش آموزان وجود دارد. بنابراین پدرانی که سطح شغلی عالی داشته اند، میانگین بالاتری داشته اند.

## میزان اخلاق شهروندی و شغل مادر دانش آموزان

جدول ۸: تفاوت میانگین میزان اخلاق شهروندی بر حسب شغل مادر دانش آموزان

Sig	F	میانگین مجذورات درون گروه.	میانگین مجذورات بین گروه.	میانگین.	ابعاد.	متغیر.
۰/۴۴۱	۰/۹۷۱	۲۴۵/۳۹۸	۲۳۸/۱۷۷	۷۹/۵۴	بسیار پایین.	شغل.
				۶۳/۱۸	پایین.	
				۷۸/۴۰	بالا.	
				۷۶/۱۳	عالی.	

یافته های حاصل از آزمون نشان می دهد که تفاوت معناداری در رابطه با میزان اخلاق شهروندی بر حسب شغل مادر دانش آموزان وجود ندارد.

### میزان اخلاق شهروندی و میزان درآمد ماهیانه پدر دانش آموزان

جدول ۹: تفاوت میانگین میزان اخلاق شهروندی برحسب میزان درآمد ماهیانه پدر دانش آموزان

متغیر	ابعاد	میانگین	میانگین مجذورات بین گروه	میانگین مجذورات درون گروه	F	Sig
درآمد.	کمتر از ۲۰۰ هزار تومان.	۶۸/۷۵	۶۱۵/۲۷۸	۳۳۲/۱۵۶	۱/۸۵۲	۰/۱۳۴
	۲۰۱-۴۰۰ هزار تومان.	۶۷/۰۴				
	۴۰۱-۶۰۰ هزار تومان.	۶۱/۴۸				
	۶۰۱-۸۰۰ هزار تومان.	۴۹/۲۴				
	۸۰۰ هزار تومان به بالا.	۵۷/۲۷				

نتایج حاصل از آزمون مقایسه میانگین مبین این است که تفاوت معناداری در رابطه با میزان اخلاق شهروندی برحسب میزان درآمد ماهیانه پدر دانش آموزان وجود ندارد.

### میزان اخلاق شهروندی و میزان درآمد ماهیانه مادر دانش آموزان

جدول ۱۰: تفاوت میانگین میزان اخلاق شهروندی برحسب میزان درآمد ماهیانه مادر دانش آموزان

متغیر	ابعاد	میانگین	میانگین مجذورات بین گروه	میانگین مجذورات درون گروه	F	Sig
درآمد.	کمتر از ۲۰۰ هزار تومان.	۷۰/۴۵	۱۲۹/۶۲۴	۱۸۰/۹۲۳	۱/۶۰۲	۰/۳۰۸
	۲۰۱-۴۰۰ هزار تومان.	۶۷/۴۲				
	۴۰۱-۶۰۰ هزار تومان.	۸۱/۸۱				

نتایج حاصل از آزمون مقایسه میانگین مبین این است که تفاوت معناداری در رابطه با میزان اخلاق شهروندی برحسب میزان درآمد ماهیانه مادر دانش آموزان وجود ندارد.

### نتیجه گیری

اخلاق شهروندی بیانگر وظایف و تعهدات افراد جامعه به عنوان شهروند در مقابل یکدیگر می باشد. اخلاق شهروندی بیانگر مجموعه ای از قوانین و عرف های اجتماعی است که به شهروندان و مسئولین جامعه کمک می کند در حیطه کنش ها و عملکردهای رفتاری از روی میل به وظایف و تعهدات خود عمل کنند تا با آرامش هر چه تمام تر در کنار هم زندگی کنند و جامعه را به سوی یک جامعه مدنی و دموکراتیک سوق دهند در چنین جامعه ای زمینه مشارکت همه جالبه شهروندان فراهم می شود و شهروندان با درونی کردن اصول زندگی در جامعه تعهدات شهروندی را در خود درونی می کنند و پایداری این اصول برای شهروندان بسیار زیاد است چون که با میل و اختیار شهروندان همراه است در نهایت این امور زمینه توسعه پایدار را برای جامعه انسانی در زمان حال و آینده فراهم می سازد.

البته تحقق اخلاق شهروندی در جامعه از یک سو مستلزم دستیابی شهروندان به حقوق خود و از سوی دیگر آگاهی آنان از وظایف و تعهدات خود است. بنابراین لازم است که در جامعه زمینه دستیابی شهروندان به حقوق واقعی شان را فراهم سازیم تا متعاقب آن شاهد شکل گیری اخلاق شهروندی در جامعه باشیم زیرا اخلاق شهروندی نتیجه عدالت و برابری و مساوات در فرصت ها و امکانات جامعه فارغ از هر نژاد، طبقه، جنس و مذهب است. هر جامعه ای متناسب با شرایط اجتماعی و فرهنگی خود بستر شکل گیری اخلاق شهروندی را فراهم می سازد. در همین راستا جامعه نیاز به شهروندانی فعال، آگاه و مسئول نسبت به تعهدات و وظایف شهروندی دارد و تداوم این امر مستلزم برنامه ریزی مسئولین در زمینه آگاه سازی و آموزش شهروندان به صورت بنیادی است و این امر به کمک نهادهای اولیه جامعه پذیری چون خانواده و مدرسه محقق می شود.

به همین منظور در این پژوهش به نقش کلیدی دو نهاد مهم جامعه پذیری خانواده و مدرسه در زمینه شکل گیری اخلاق شهروندی پرداخته شده است؛ و از آنجایی که نوجوانان هر جامعه‌ای به عنوان باز تولید کنندگان جامعه محسوب می‌شوند و برنامه ریزی برای تقویت اخلاق شهروندی در آن‌ها به کمک برنامه‌های آموزشی منجر به ارتقاء سرمایه‌های فرهنگی و باز تولید آن در جامعه خواهد شد و به نهادینه کردن حوزه‌های کنشی و ذهنی نوجوانان خصوصاً نسل بعدی منجر خواهد شد. این راهبرد عمق و ماندگاری زیادی را برای جامعه به دنبال دارد.

بر اساس نتایج بدست آمده از این تحقیق عملکرد خانواده و مدرسه بر روی تحقق اخلاق شهروندی تأثیر بسزایی دارند و حتی تأثیر خانواده با توجه به آموزه‌های غیر رسمی نسبت به آموزه‌ها و تعالیم رسمی مدرسه نقش بیشتری در شکل گیری اخلاق شهروندی دارد. با توجه به اینکه نهاد خانواده اولین نهاد جامعه پذیری محسوب می‌شود می‌تواند جایگاه مناسبی برای ترویج پایبندی و تعلق به جامعه محسوب شود و بنیاد اولیه و محکم شهروندی را شکل دهد و در مرحله بعد مدرسه با ادامه دادن راهبردهای خانواده به تثبیت اخلاق شهروندی بپردازد در این صورت است که ما می‌توانیم جامعه‌ای با افراد مسئول و متعهد داشته باشیم که انجام وظایف خود بدون هیچ مجازات و اجباری انجام می‌دهند.

بنابراین لازم است که نهادهای جامعه پذیری مکمل هم باشند نه اینکه مقابل هم قرار گیرند و هر کدام راه خود را ادامه دهند. با استفاده از این روش جامعه با صرف هزینه‌های کمتر به صورت پایدارتر با اخلاق شهروندی روبرو خواهد شد.

#### منابع

- آراسته خو، محمد (۱۳۷۱) جامعه شناسی سیاسی، تهران، نشر نی.
- آقازاده، احمد (۱۳۸۵) "اصول و قواعد حاکم بر فرایند تربیت شهروندی و بررسی سیر تحولات و ویژگی های این گونه آموزش ها در کشور ژاپن"، فصلنامه نوآوری های آموزشی، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۶۶-۴۵.
- توسلی، غلام عباس و سید محمد نجاتی حسینی (۱۳۸۳) "واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران"، مجله جامعه شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲، صص ۶۲-۳۲.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱) هویت اجتماعی، ترجمه تورج یار احمدی، تهران، نشر پژوهش شیرازه.
- حقیقتیان، منصور، احمد غضنفری و پروانه تکه اکبرآبادی (۱۳۸۸) "هویت ملی و برخی عوامل مؤثر بر آن در بین دانش آموزان مقطع متوسطه اصفهان" مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال اول، شماره دوم، صص ۱۸۶-۱۷۳.
- ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۱) «آموزش شهروندی»، فصلنامه آموزش علوم اجتماعی، شماره ۱۹، صص ۲۹-۲۲.
- زارع، حمید (۱۳۸۹) "رفتارهای شهروندی در جامعه دینی"، مجله فلسفه دین، سال هفتم، شماره ۸، صص ۱۴۲-۱۱۹.
- شاه طلیعی، بدری، اذر قلی زاده و سعید شریفی (۱۳۸۹) "مولفه های آموزش فرهنگ شهروندی برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی با تاکید بر حیطه آموزه های دینی و شهروند الکترونیک"، فصلنامه علوم تربیتی، شماره ۱۰، صص ۱۷۸-۱۵۷.
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۴) نقش فعالیتهای فوق برنامه در تربیت نوجوانان، تهران، انتشارات اطلاعات.
- شیانی، ملیحه و طاهره داوودوندی (۱۳۸۹) "تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان"، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۵، صص ۶۲-۳۷.
- عسگریان، مصطفی (۱۳۵۹) جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران، انتشارات عطایی.
- قرایی مقدم، امان... (۱۳۷۵) جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران، فرودین.
- فنجی و اجارگاه، کوروش و سکینه واحد چوکده (۱۳۸۵) "شناسایی آسیب های تربیت شهروندی در برنامه درسی پنهان، نظام آموزش متوسطه نظری از دیدگاه معلمان زن شهر تهران و ارائه راهکار برای بهبود وضعیت آن"، فصلنامه نوآوری آموزشی، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۱۳۲-۹۳.
- فرگاس، جوزف پی (۱۳۷۹) روانشناسی تعامل اجتماعی (رفار بین فردی)، مترجم خشایار بیگی و مهرداد فیروز بخت، تهران، انتشارات ابعاد.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۸) "تقویت اخلاق شهروندی: راهی برای گذار به مردم سالاری مشارکتی"، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره سوم، شماره ۲، تابستان، صص ۶۰-۴۵.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱) جهانی شدن، فرهنگ، هویت، چاپ اول، تهران، نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶) جامعه شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران. نشر نی.

نگاهی جامعه شناختی به اخلاق شهروندی در پرتو نقش خانواده و مدرسه / ۱۰۳

۱۸. لطف آبادی، حسین (۱۳۸۵) "آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش آموزان"، فصلنامه نوآوری های آموزشی، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۴۴-۱۱.
۱۹. محمدی، محمد علی، ملیحه شیانی و پیام روشنفکر (۱۳۸۹) "عوامل مرتبط با هویت شهروندی در شهر تهران"، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۸، صص ۸۸-۶۵.
۲۰. نبوی، سید عبدالحسین، فرهنگ ارشاد و سید حسام الدین فاضل (۱۳۸۸) "عوامل موثر بر احساس شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز"، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۸، صص ۱۰۳-۸۹.
21. Combs, Carolyn (2001). A Conceptual Framework Toward a Democratic Citizenship Curriculum, and Its Implication for Education Drama. Unpublished Master of Education Thesis. University of Monitoba.
22. Haslam ,S. Alexander, Jolanda Jetten, Tom Postmes , Catherine Haslam(2009). Social Identity, Health and Well\_being. APPLIED PSYCHOLOGY: AN INTERNATIONAL REVIEW,2009,58(1) ,1-23.
23. McDonald, David G. (1999). Implementation of Programs of Deliberationand Civic Education to Counter Erosional Effects of Civic Apathy Upon Liberal-Democratic Polities. Unpublished Master of Thesis. University of Western Ontorio.
24. Summers, Jacqueline Y. (2002). A proposal Model for Anchorage Adult Civic Education. Unpublished Master of Education Thesis.

Archive of SID